

شب‌های نویسندگان و شاعران ایران

استیتو گوته - تهران

۲۷ - ۱۸ مهر ۱۳۵۶

محمدحسین حسروپناه



تهران ۱۳۹۶

فهرست

- پیشگفتار ۹
- شب‌های نویسندگان و شاعران ایران ۱۳
- برنامهٔ شب‌های نویسندگان و شاعران ایران ۵۷

شب اول

- بیان‌نامهٔ هیئت‌دبیران موقت کانون نویسندگان ایران ۶۵
- حوش آمدگویی دکتر هایس نکر ۶۹
- سحبرانی سیمین داشور ۷۱

شب دوم

- سحبرانی منوچهر هرازحانی ۸۳

شب سوم

- سحبرانی شمس آل‌احمد ۹۱
- سحبرانی بهرام بیضایی ۹۷
- توصیح و تذکر هیئت‌دبیران موقت کانون نویسندگان ایران ۱۰۸

شب چهارم

- سحبرانی علامحسن ساعدی ۱۱۳

شب پنجم

- سحبرانی ناقر مؤمنی ۱۲۵
- سحبرانی سعید سلطان‌پور پیش‌ار شعرخوانی ۱۴۸

شب ششم

- یک شب طوفانی ۱۵۳
بیابیه کانون نویسندگان ایران ۱۵۴

شب هفتم

- سحرائی اسلام کاطمیه ۱۷۹
سحرائی داربوش آشوری ۱۹۶

شب هشتم

- سحرائی محمدعلی مهمید ۲۰۷
سحرائی مصطفی رحیمی ۲۳۱

شب نهم

- سحرائی ناقر پرهام ۲۴۱
سحرائی فریدون تکابنی ۲۵۰
تلگراف همستگی عده‌ای از نویسندگان و شاعران جهان ۲۵۳

شب دهم

- سحرائی محمود اعتمادزاده (به آدین) ۲۵۷
پیام کانون نویسندگان ایران ۲۶۳

پیوست‌ها

- بیابیه کانون نویسندگان ایران ۲۶۹
در باب شب‌های شعرخوانی (گزارشی از داخل کانون) ۲۷۳
هراران بفر در شب‌های شعر شرکت کردند ۲۷۸
صدای شکفتن آرادی ۲۸۳
نامه‌ای از ایران ۲۸۶
شکوفان باد هنر مردمی ۳
کانون نویسندگان ایران ۳۳

نمایه ۳۵۱

تصاویر ۳۶۹

شب‌های نویسندگان و شاعران ایران

۲۷- ۱۸ مهر ۱۳۵۶

کانون نویسندگان ایران در اسفند ماه ۱۳۴۶، به عنوان تشکل صنفی نویسندگان و شاعران مستقل و متحدطلب ایرانی تشکیل شد هدف‌های اصلی کانون دفاع از آزادی بیان و دفاع از منافع صنفی اهل قلم بود که در مشور کانون با عنوان «درباره یک ضرورت» در اول اردیبهشت ۱۳۴۷ تصویب شد فعالیت‌های کانون در دوره اول عبارت بود از اقدام برای اصلاح لایحه حمایت از حقوق مؤلف و مصنف، حمایت از نویسندگان رندانی، برگزاری مراسم یادبود صمد بهرنگی، تحریم فعال کنگره رسمی شعر که قرار بود دولت هویدا برگزار کند، برگزاری جلسه‌های سحرانی، و برگزاری یادبود بهمین سال درگذشت بیماریوشیح سرانجام، در نتیجه فشار روزافزون ساواک که محر به رندانی شدن به آدیس (محمود اعتماداراده) از دیران و محمدعلی سپانلو و ناصر رحمانی‌نژاد (از اعضا) و تهدید و اراعات عده دیگری از اعضا شد، کانون نویسندگان ایران در خردادماه ۱۳۴۹ از فعالیت نارماند^۱

۱ برای اطلاع بسیر درباره چگونگی سبکل کانون نویسندگان ایران و مسروح فعالتهای آن در دوره اول، بگرید به محمدحسین خسروناه، «کانون نویسندگان ایران (۱۳۴۹-۱۳۴۷)»، همس مجموعه، نوبست شماره ۷

قانون اساسی مربوط به آزادی‌های سیاسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر هم گفتند و تاکید کردند «اگر ما نباشد که ما به عنوان ملت‌ی آزاد و سربلند و متکی به کار و فرهنگ خویش در جهان ناقدی بمابیم [] و میراث ملی و فرهنگی گذشته خویش را که در جهان درحاشی کم‌بطیر دارد پاسداری کنیم ناچاریم که قدم پیش نهیم و محدودیت‌های موحود را برداریم و با کار فکری و حلاق خود با تمام گروه‌های اجتماعی کشور ارتباطی سالم و اصیل برقرار کنیم» آنها برای دستیابی به این هدف حواهان

۱- به رسمیت شناختن کانون نویسندگان ایران ۲- برطرف شدن موانع موحود در راه تاسیس محل یا ناشگاهی برای اجتماع اعضا در تهران و شهرستان‌ها ۳- تسهیلات قانونی برای انتشار نشریه کانون و توزیع نلامانع آن در سراسر کشور شدند^۱

این نامه در اواخر بهمن ماه ۱۳۵۵ نوشته می‌شود و هر کدام از آن پنج نفر برای گرفتن امضا به نویسندگان و شاعران مستقل و اعضای قدیمی کانون مراجعه می‌کند کاظمیه می‌گوید «تا خردادماه [۱۳۵۶] کوشش کردیم و ۴۰ نفر حرأت کردند [نامه را] امضا کند چون وحشت این‌قدر بود که کسی حرأت نمی‌کرد امضا کند»^۲ از آن ۴۰ نفر امضاکننده می‌توان (علاوه بر پنج نفر نویسنده نامه) از فریدون آدمیت، به‌آدیس (محمود اعتمادزاده)، سیاوش کسرانی، سیمین دانشور، فریدون تُکائی، رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای و نام برد کاظمیه آن نامه را صبح روز ۲۳ خرداد ۱۳۵۶ با پست سفارشی برای بحست‌وریر و رو نوشت آن را برای روزنامه‌های رسمی سراسری و رادیو و تلویزیون ایران ارسال کرد^۳ در داخل کشور فقط روزنامه محمی «باید» (واسته به حرب توده ایران) و در خارج از کشور روزنامه‌ها و محله‌هایی مانند «ایران آزاد»، «پیام دانشجو»، «آرمان» و آن را منتشر کردند نا اینکه هویدا یا دیگر مقام‌های دولت به نامه سرگشاده کانون

در بهمن ماه ۱۳۵۵، ناقر پرهام، اسلام کاظمیه، سوچهر هرارحانی، شمس آل‌احمد و علی‌اصغر حاح‌سیدحوادی تلاش برای تحدید فعالیت کانون نویسندگان ایران را آغار کردند آنها با ارریانی از شرایط سیاسی کشور و برنامه حیمی کارتر، رئیس‌جمهور وقت امریکا، برای رعایت حقوق بشر در جهان به این نتیجه رسیدند که شاه ارسوی متحد استراتژیکش (امریکا) ریرفشار قرار گرفته تا شیوه حکومتداری خود را تعییر دهد و به حای تداوم احتناق و سرکوب شدید مخالفان و معترضان، نکوشد ار طریق نارکردن فصای سیاسی، بحران‌های اجتماعی و اقتصادی رو به رشد را در کشور مهار کند و ار شدت نارصایتی‌ها نکاهد^۱ در آن مقطع مخالفان اصلاح‌طلب نا انتشار نامه‌های سرگشاده اعتراضی، شاه را به رعایت قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر فرا می‌حواندند

ناقر پرهام می‌گوید که در یکی از حلسه‌های ما پنج نفر، «هرارحانی گفت چرا ما مسئله تاسیس مجدد کانون نویسندگان ایران را پیشهاد نکسیم، دنبال نکسیم؟ حالا موقعیت مناسب است و یک اقدامی نکسیم یک نامه‌ای نویسیم و یک عده‌ای امضا نکند و نگوییم آقا احاره بدهید ما کانون نویسندگان را راه بیداریم این پیشهاد مورد قبول جماعت که پنج نفر بودیم قرار گرفت»^۲ نامه‌ای حطاب به امیرعناس هویدا، بحست‌وریر وقت، نوشتند و در آن نامه توضیح دادند که در نتیجه «محدود بودن شرایط تفکر حلاق و آزادانه [] صوابط شدید سانسور [] محدودیت‌های شدند که در جهت مطالعه کتاب برای مردم اهل مطالعه به‌خصوص حوانان و دانشجویان به‌وجود آمده است»، «فرهنگ و حلاقیت فکری و هبری در جامعه ما دچار توقف و رکود شده و حتی به حرات می‌توان گفت که نشانه‌های بسیار نگران‌کننده‌ای از انحطاط فرهنگی بیر پیداست» ار «تعلیق و تعطیل» مواد

۱ برای اطلاع بسیر نگرید به تاریخ سفاهی سناد مطالعات ایران، مصاحبه سد ولی‌رضا نصر نا نافر پرهام، ۲۸ بوامر ۱۹۹۰، بواز شماره 2B؛ تاریخ سفاهی سناد مطالعات ایران، مصاحبه سربس سمعی نا اسلام کاظمیه، ۳۱ اکتبر ۱۹۸۳، بواز شماره 1B
۲ نافر پرهام بسس

۱ محله نام دانشجو، سهربور ۱۳۵۶، صص ۸-۷
۲ کاظمیه، پیس
۳ همانجا